



گاهنامه فرهنگی اکران، دی ماه ۱۳۹۶، شماره پنجم

صاحب امتیاز: مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان

مدیر مسئول و سردبیر: محمد باقری

صفحه آرا: محمدرضا قلی پور

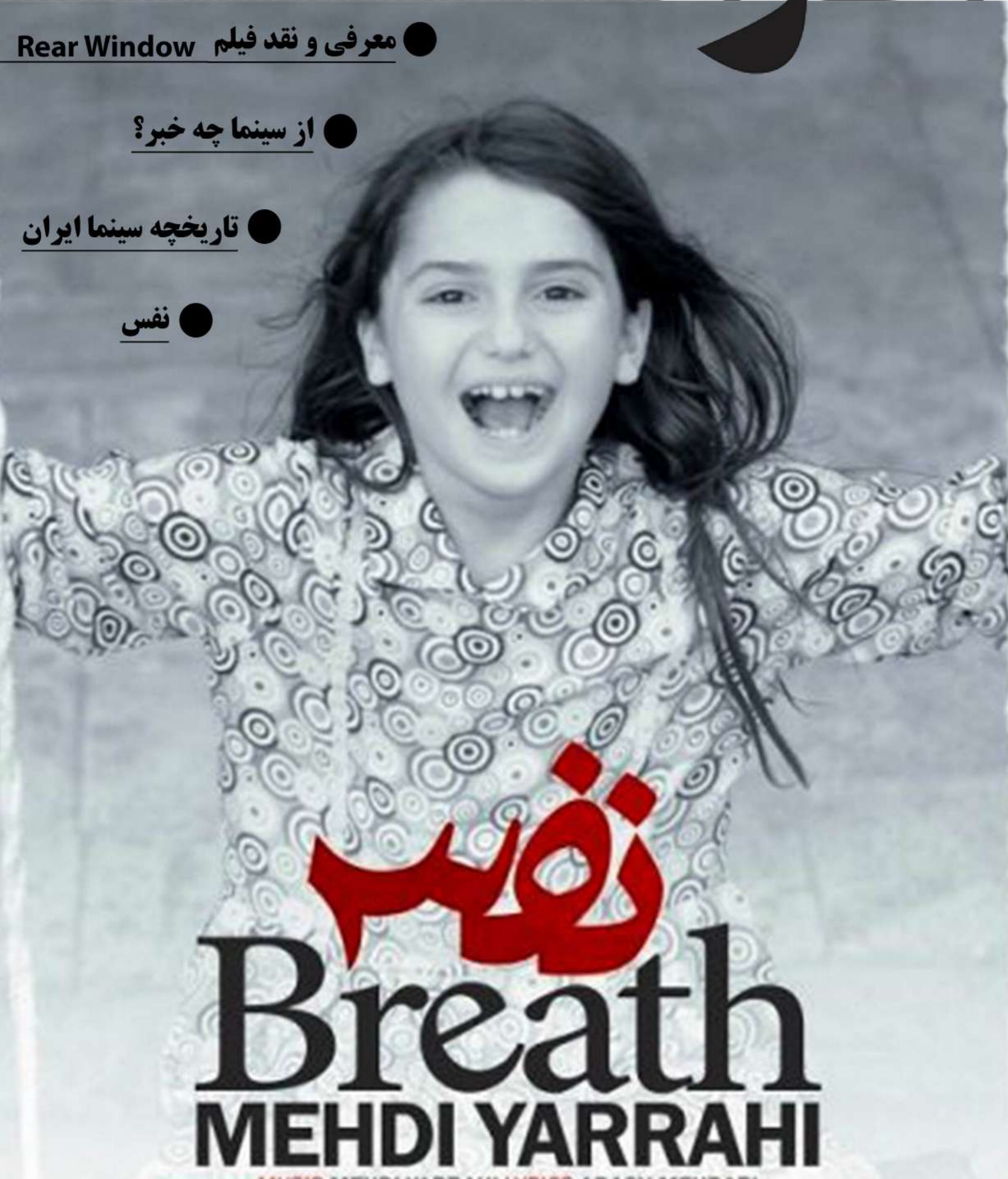
اکران

● معرفی و نقد فیلم Rear Window

● از سینما چه خبر؟

● تاریخچه سینما ایران

● نفس



دیالوگ‌هایی ماندگار از سینمای جهان

اگه کسی بخواد منو بکشه، امیدوارم به خاطر نفرت از من این کارو بکنه نه به خاطر وظیفه اش (Dog Day Afternoon)

تو ماشین می گفتن چندتا نفر از قاچاقچیا رفتن روی مین آخر تو مرز پر مینه... ده ما لب مرزه (زمانی برای مستی اسب‌ها)

مردی که میگه "ترجیح میدم خوش شانس باشم تا خوب" عمق زندگی رو دیده. افراد از اینکه با شرایطی مواجه بشن که شانس تاثیر زیادی در زندگی داره واهمه دارن. فکر این که خیلی از چیزها از کنترل آدم خارجه وحشتناکه. در یک مسابقه لحظاتی هست که توپ به تور برخورد میکنه و در یک آن ممکنه عقب بره یا جلو. با یه مقدار شانس میره جلو و برنده میشی یا شاید نره و بازنده میشی (Match Point)

اسم من "ماکسیموس دسمیوس مریدیوسه". فرمانده ارتش شمالی، ژنرال "فلیکس". خدمتگذار با وفای امپراطور واقعی "مارکوس اورلیوس". پدر یک پسر به قتل رسیده،... همسر یک زن به قتل رسیده،... و من انتقامم رو خواهم گرفت. در این دنیا یا در دنیای دیگر (Gladiator)

قانون اول سیاست یادت باشه: برکه های رای نتیجه رو مشخص نمیکنن، شمارنده ها نتیجه رو مشخص میکنن... پس بشمر! (Gangs of New York)

اگر رنگین کمان رو می خواهی، اول باید بارش بارانش رو تحمل کنی! (The Fault in Our Stars)

ترجیح می دهم با مردم زندگی کنم تا آنها را بکشم... و یقینا تو به همین خاطر زنده ای (Kingdom of Heaven)

بزرگترین نیرنگ شیطان این بود که این باور رو به وجود آورد که وجود نداره... (Usual Suspects)

پدر فرانسیسکو: آزادی بدون زندگی، آزادی نیست

رامون سمپدرو: زندگی بدون آزادی، زندگی نیست (The Sea Inside)

پدرم می گفت که هنرمندان همیشه دروغ میگویند تا واقعیت رو بیان کنند... در حالی که سیاستمداران دروغ میگویند تا حقیقت رو پنهان کنند. (v for vendetta)

هر سایه ای، هر چقدر هم که تاریک باشد از نور صبح دم وحشت دارد. (Fountain)

دیوید فروست: آیا شما واقعا دارید می گوئید که رئیس جمهور می تواند یک کار غیرقانونی انجام دهد؟

نیکسون: من دارم می گم وقتی رئیس جمهور کاری را انجام می دهد آن کار غیرقانونی نیست! (Frost/Nixon)

جدول فروش سینمای جهان

نام فیلم	فروش آخر هفته	کل فروش	تعداد هفته نمایش
Star Wars: Episode VIII - The Last Jedi	\$220.0M	\$220.0M	1
Ferdinand	\$13.4M	\$13.4M	1
Coco	\$9.9M	\$150.7M	4
Wonder	\$5.2M	\$109.1M	5
Justice League	\$4.3M	\$219.6M	5
Daddy's Home 2	\$3.8M	\$96.6M	6
Thor: Ragnarok	\$3.1M	\$306.5M	7
The Disaster Artist	\$2.7M	\$13.0M	3
Murder on the Orient Express	\$2.5M	\$97.3M	6
Lady Bird	\$2.1M	\$26.0M	7

جدول فروش سینمای ایران در سال 96

نام فیلم	فروش (تومان)
نهنج عنبر ۲: سلکشن رویا	۲۰,۹۴۵,۷۸۵,۰۰۰
گشت ۲	۱۹,۷۸۱,۳۴۴,۰۰۰
خوب، بد، جلف	۱۶,۲۸۸,۴۸۸,۰۰۰
اکسیدان	۱۰,۷۸۷,۴۴۹,۰۰۰
ساعت ۵ عصر	۹,۱۲۵,۴۱۲,۰۰۰
خالتور	۵,۷۴۶,۱۵۷,۰۰۰
آینه بغل	۵,۰۹۲,۰۴۱,۰۰۰
رگ خواب	۴,۹۳۰,۹۵۱,۰۰۰
زرد	۴,۸۲۰,۲۰۴,۰۰۰
ماجرای نیمروز	۴,۳۲۳,۱۵۴,۰۰۰
خفه‌گی	۳,۹۸۰,۰۱۱,۰۰۰
خانه دختر	۲,۸۴۹,۵۰۷,۰۰۰
زیر سقف دودی	۲,۸۰۶,۷۲۶,۰۰۰
نگار	۲,۶۳۹,۴۳۹,۰۰۰
سارا و آیدا	۲,۶۳۰,۴۷۳,۰۰۰



اکران

گاهنامه فرهنگی اکران، دی‌ماه ۱۳۹۶، شماره پنجم

صاحب امتیاز: مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه سمنان

مدیر مسئول و سردبیر: محمد باقری

صفحه آرا: محمدرضا قلی‌پور

هیئت تحریریه: محمد باقری، سید ابوالفضل شاهچراغ



/majma_eslami



@majma_eslami

دریافت انتقادات و پیشنهادات :



@majma_eslami_admin

نکاتی که درباره «پنجره عقبی» نمی دانید:

- ظاهرا هیچکاک به این دلیل نقش لارس توروالد را به ریموند بر داده که شباهت زیادی به تهیه کننده سابقش دیوید سلزنیک داشته. ظاهرا سلزنیک زیاد در کار هیچکاک دخالت می کرده!

- به غیر از صدای ارکستر در سکانس های ابتدایی کلیه صدابرداری ها (موسیقی، گفتگوها و...) مربوط به همان آپارتمان می باشد.

- در آن زمان دکور فیلم بزرگترین استودیو فیلم برداری کمپانی پارامونت بوده. آپارتمان رو به رو واقعی است اما آپارتمان جف دکور است.

- جورجینه داریسی که کاراکتر خانم تورسو را بازی میکند در طول فیلم برداری در همان آپارتمان شخصیتش سکونت داشته!

- برخی بر این باورند که هیچکاک رابطه میان جف و لیزا را از رابطه میان رابرت کاپا عکاس جنگ و بازیگر مشهور خانم اینگرید برگمن الهام گرفته.

- هنگام فیلم برداری هیچکاک در آپارتمان جف حضور داشت و نکات لازم را با بیسیم به آپارتمان رو به رو منتقل می کرد.

- بیش از هزار لامپ حبایی برای شبیه سازی نور خورشید استفاده شده!

- این فیلم نزدیک به ۳۰ سال در دسترس نبود (حداقل به طور قانونی) زیرا حق پخش آن توسط آلفرد هیچکاک در کنار چهار فیلم دیگر به دخترش ارث رسیده بودو آن زمان به این فیلم ها لقب «پنج گمشده هیچکاک» را داده بودند. چهار فیلم دیگر: «دردسر با هری»، «سرگیجه»، «طناب» و «مردی که زیاد می دانست» بودند.

- فیلم نامه نویسی جان مایکل هایز شخصیت لیزا را بر اساس همسر خودش که یک مدل بود نوشته.

- «پنجره عقبی» در سال ۲۰۰۷ از سوی اتحادیه فیلم آمریکا در رتبه ۴۷ بهترین فیلم تاریخ سینما قرار گرفته.

- در سال ۲۰۰۸ رتبه سوم بهترین فیلم رمز آلود تاریخ سینما را از سوی اتحادیه فیلم آمریکا بدست آورد.

- به غیر از دو سکانس کشف سگ مرده و سقوط جف همه سکانس ها از درون آپارتمان جف فیلم برداری شده.

دیالوگ های ماندگار:

جف: اون می خواد باهاش ازدواج کنم

استلا: خوب این طبیعیه

جف: من نمی خوام.

استلا: اینه که غیر طبیعیه!

جف: چرا یک مرد توی یک شب بارونی باید سه بار از خورش بره بیرون و برگرده؟

لیزا: از نحوه خوش آمد گویی زنش خوشش میاد!

استلا: اطلاعات، هیچ چیز به اندازه اطلاعات بشر رو تو دردسر ننداخته...

استلا: وقتی من و مایلز ازدواج کردیم ، همیشه باهم ناسازگاری و بگو مگو داشتیم ، الانشم داریم و عاشق هر دقیقه هستیم.

استلا: شاید یه روزی اونم(مونث) خوشبختیش رو پیدا کنه.

جف: آره ، روزی که یک مرد مال خودش رو از دست می ده!

از سینما چه خبر؟

وضعیت نا معلوم اکران فیلم «عصبانی نیستم».

در حالی که طی یک ماه گذشته حواشی بسیاری برای ثبت قرارداد اکران دو فیلم رفع توقیف شده «عصبانی نیستم» و «آشغال های دوست داشتنی» به وجود آمده بود. سخنگوی شورای صنفی نمایش پس از جلسه دوشنبه ۱۳ آذرماه شورای صنفی نمایش اعلام کرد قرارداد فیلم «عصبانی نیستم» برای اکران از ۲۹ آذر ثبت شد و این فیلم در گروه آزاد اکران خواهد شد. قرارداد فیلم «آشغال های دوست داشتنی» برای ثبت در شورای پروانه نمایش این هفته ارائه نشده است.



اما این پایان ماجرا نبود و پس از فشار جبهه های مخالف در آستانه تاریخ اکران «عصبانی نیستم»، از جمله اعتراض بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق به اکران این فیلم طی یک هفته گذشته غلامرضا فرجی اعلام کرد که به دلیل فشرده گی برنامه در پایان آذر ماه اکران فیلم «عصبانی نیستم» به زمان دیگری موکول شده است.

احتمال توقیف «بمب» پیمان معادی به دلیل محتوای ضد جنگ!



در سال های گذشته بسیاری از رسانه های اصولگرا، نسبت به فیلم های جنگی که با نظرات آنها مطابقت نداشت، از واژه «ضد جنگ» استفاده می کردند. یکی از خبرگزاری ها و روزنامه ها با انتشار مطلب کوتاهی، مدعی شده که فیلم «بمب» پیمان معادی مفهوم ضد جنگ دارد و ممکن است به همین دلیل به سی و ششمین جشنواره فیلم فجر راه نیابد. سه سال پیش و برای اولین بار، نام فیلمنامه «بمب» به نویسندگی پیمان معادی مطرح شد. پیمان معادی برای نگارش این فیلمنامه توانست عنوان بهترین فیلمنامه جوایز آسیا پاسفیک را به خود اختصاص دهد. پیمان معادی از اوایل امسال فیلم سینمایی «بمب» را بازی خود، لیلیا حاتمی، حبیب رضایی، سیامک انصاری، سیامک صفری و... جلوی دوربین برد و اوایل فصل تابستان فیلمبرداری آن به طول انجامید. اما در حالی که این روزها فیلم «بمب» مراحل پایانی

فنی خود را پشت سر می گذارد، خبرگزاری ایسکا نیوز وابسته به دانشگاه آزاد مدعی شده که ممکن است «بمب» پیمان معادی به دلیل مفهوم ضد جنگی که دارد فرصت حضور در سی و ششمین جشنواره فیلم فجر را بدست نیاورد. از سوی دیگر روزنامه شرق هم با انتشار مطلبی عنوان کرد که فیلم معادی از جمله فیلم های پر حاشیه جشنواره فجر خواهد بود که ممکن است جواز حضور در این رویداد سینمایی را بدست نیاورد و حتی از آن به عنوان فیلم توقیفی سال آینده سینمای ایران نام برده است. روزنامه کیهان هم در مطلبی از همکاری پیمان معادی با یک فیلم ضد ایرانی خبر داده است. این روزنامه نوشته فیلم سینمایی «اسب های پنجره ای» که در آن معادی به ایفای نقش پرداخته تصویر جنگ طلب و خشنی از امام خمینی به تصویر کشیده است.

محمد باقری

نفس اسکار گرفته شد!

آکادمی اسکار اسامی فیلم‌های منتخب برای حضور در رقابت اسکار ۲۰۱۸ را اعلام کرد و در میان فیلم‌های منتخب فیلم «نفس» از ایران جایی نیافت. به نقل از هالیوود ریپورتر، آکادمی اسکار ۹ فیلم را برای شرکت در رقابت اسکار خارجی زبان انتخاب کرد. در این فهرست نه نامی از فیلم «نفس» هست و نه فیلم «اول پدرم را کشتند» ساخته آنجلینا جولی که امید بسیاری به حضور در این رقابت داشت. فیلم‌هایی که برای این رقابت انتخاب شده‌اند عبارتند از:

«زن فوق العاده» از شیلی ساخته سباستین للیو

«محو شدگی» از آلمان ساخته فاتح اکین

«درباره جسم و روح» از مجارستان ساخته ایدیکو انیدی

«فوکستروت» از رژیم صهیونیستی ساخته ساموئل موآز

«بی عشق» از روسیه ساخته آندری زویاگینتسف

«فلیسیتی» از سنگال ساخته آلن گومیس

«زخم» از آفریقای جنوبی ساخته جان ترنگاو

«میدان» از سوئد ساخته روبن اوستلوند



نودمین دوره مراسم اسکار یکشنبه ۴ مارس برگزار می‌شود.

اتفاق عجیب در اعلام نامزدهای گلدن گلوب 2018 / کریستوفر پلامر هم نامزد دریافت جایزه بهترین بازیگر شده است!

کریستوفر پلامر که در رویدادی نادر در فیلم «تمام پول‌های جهان» جایگزین کوین اسپسی شده بود، برای بازی در این نقش نامزد گلدن گلوب شد. به نقل از خبرآنلاین، کریستوفر پلامر برای بازی در نقش جان پل گتی در فیلم «تمام پول‌های جهان» به کارگردانی ریدلی اسکات نامزد جایزه گلدن گلوب شد. وقتی بدانی کوین اسپسی بازیگر اصلی نقش جان پل گتی در فیلم «تمام پول‌های جهان» بود، موضوع جالب می‌شود. کوین اسپسی در چند وقت اخیر نامش به یک موضوع گره خورده



است: رسوایی جنسی. داستان رسوایی اسپسی بر تمام ابعاد فعالیت حرفه‌ای این بازیگر تأثیری مخرب داشت و سبب شد که او از سریال «خانه پوشالی» و فیلم سینمایی «تمام پول‌های جهان» حذف شود. ماه پیش اعلام شد که پلامر در فیلم «تمام پول‌های جهان» جایگزین اسپسی می‌شود. با اینکه ریدلی اسکات و گروه تولید فیلم دو هفته وقت صرف فیلمبرداری صحنه‌های فیلم با بازی کوین اسپسی کرده بودند اما حاضر نشدند ریسک حضور او را در فیلم بپذیرند. این در حالی بود که در تریلرهای اولیه فیلم اسپسی حضور داشت. دیگر بازیگران این اثر سینمایی میشل ویلیامز و مارک والبرگ هستند که هنگام ضبط دوباره صحنه‌های کوین اسپسی با بازی کریستوفر پلامر مجبور شدند دوباره به جلوی دوربین روند. البته اسپسی هنوز به صورت کامل از صحنه سینما حذف نشده است و فیلم «بیبی درایور» با بازی او در رشته بهترین فیلم موزیکال یا کمدی نامزد جایزه شد.

بازیگران:

جیمز استوارت: جیمز ماتیلاند استوارت در ۹۲ فیلم به ایفای نقش پرداخته است و از شهرت بی نظیری در دوران طلایی هالیوود برخوردار بود. او در ۲۰ می ۱۹۰۸ در پنسیلوانیای ایالت ایندیانا به دنیا آمد. شهری که پدرش در آن ابزار فروشی داشت. او دوره ابتدائی را در یک مدرسه محلی تحصیل کرد جایی که علاقه خود را به ورزش (فوتبال) و موسیقی (آواز خواندن و نواختن آکودئون) و گاهی اوقات بازی گری نشان داد. در سال ۱۹۲۹ موفق به کسب بورسیه دانشگاه پرینستون شد و شروع به تحصیل در رشته معماری کرد. در کنار تحصیل در رشته خود از انجام فعالیت های هنری باز نماند و در تئاتر دانشگاه اقدام به اجرای موسیقی و شرکت در نمایش ها کرد.

بعد از فارغ التحصیل شدن تا سال ۱۹۳۴ طول کشید تا راهش را به هالیوود پیدا کند. زمانی که به دنبال دوستش هنری فوندا به آنجا کشیده شد تا آغازی جدید را



تجربه کند. این هنرپیشه لاغراندام و کم حرف که در بسیاری از فیلم‌های به یادماندنی آلفرد هیچکاک خالق آثار دلهره آور سینما نقش اصلی را ایفا کرده بود نخستین ایفای نقش را در سال ۱۹۳۴ و در فیلم «زحمت هنر» انجام داده بود. استوارت نخستین بار به خاطر بازی در فیلم «داستان فیلا دلفیا» جایزه اسکار گرفت و بعدها نیز چهاربار نامزد دریافت جایزه اسکار شد اما از رقیبان خود پیشی نگرفت. او در فیلم‌های معروفی چون «مردی که لیبرتی والانس را کشت» و «پرواز فوتیکس» شرکت کرد، اما فیلم‌های «پنجره عقبی» و «سرگیجه» از آلفرد هیچکاک بودند که جیمز استوارت را به شهرتی جهانی رساندند. وی سابقه حضور در جنگ جهانی را هم دارد جیمز استوارت اولین بازیگر ستاره سینما بود که داوطلب حضور در جنگ جهانی دوم شد. او می خواست وارد نیروی هوایی بشود ولی وزنش پایین تر از حد مجاز بود و قبول نکردند ولی با مسئول مربوطه صحبت کرد و وارد نیروی هوایی شد. در طول جنگ فداکاریها و رشادتهای زیادی از خودش نشان داد و یک مدال هم دریافت کرد. استوارت بعد از چند سال حضور در میدان جنگ و به خاطر توانایی های بالایی که داشت به درجه سرهنگی رسید و با درجه سرتیپی هم بازنشسته شد.

وی در چندسال آخر عمرش همواره با ضعف بدنی و بیماری دست به گریبان بود. استوارت گذشته از اسکار چندین جایزه فرهنگی نیز دریافت کرده است شاید بتوان گفت او یکی از آخرین بازماندگان غول‌های سینما بود و در هر فیلمی که بازی می‌کرد مردم برای دیدنش هجوم می‌بردند. آخرین نقشی که جیمز استوارت در آن به ایفای نقش پرداخت به سال ۱۹۹۱ و در فیلم «تعقیب آمریکایی» برمی‌گردد. جیمز استوارت در ژوئیه ۱۹۹۷، در سن ۸۹ سالگی در بورلی هیلز درگذشت.

گریس کلی: گریس کلی در سال ۱۹۲۹ در فیلا دلفیا پنسیلوانیا به دنیا آمد. پدرش جان برندن کلیقه‌رمان المپیکو فرزند مهاجری ایرلندیو میلیونری خود ساخته بود و مادرش مارگریت کاترین دختر مهاجری آلمانی بود. دو خواهر و یک برادر داشت. در دوازده سالگی در یکی از نقش‌های اصلی نمایشنامه‌ای ظاهر گشت. تحصیلات خود را در آموزشگاه راوینهل و مدرسه استیونس و آموزشگاه هنرهای دراماتیک نیویورک به پایان برد. مدتی به عنوان مدل مشغول کار شد. در سال ۱۹۴۷ به برادوپراه یافت و در نقش دختر ریموند ماسیدر نمایش پدر اثر عمویش جرج کلیبه روی صحنه رفت. در نمایش‌هایی چندی به ایفای نقش پرداخت و در چند نمایش تلویزیونی بازی کرد.



موفقیت‌هایش در نمایش‌های تلویزیونی سبب شد تا در سال ۱۹۵۱ در اولین فیلمش چهارده ساعت به کارگردانی هنری هاتاوی در نقش کوچکی ظاهر شود. سال بعد در نقش ایمی کین در فیلم وسترن نیمروز در کنار گری کوپر و کارگردانی فرد زینه‌مان حضوری برجسته یافت و به بازیگری محبوب

خود مقایسه می کنید. نکته دیگری که تماشای این فیلم را به شدت جذاب می کند دیالوگ های کنایه آمیز و بسیار زیبایی شخصیت هاست به طوری که دوست ندارید حتی یک کلمه را از دست بدهید.

کارگردان:



آلفرد هیچکاک متولد ۱۳ آگوست ۱۸۹۹ لیتوناستون لندن، انگلیس میباشد . هیچکاک که بیشتر در زمینه فیلم های معمایی و مهیج فعالیت داشت، فعالیت های سینمایی اش را از سال ۱۹۲۰ در انگلستان به عنوان نقاش و طراح صحنه آغاز کرد، سپس به تدریج نویسنده، دستیار کارگردان و سرانجام کارگردان شد. او در آلمان تحت تأثیر سبک هیجان‌نمایی (اکپرسیونیسم) قرار گرفته بود. نام وی با شروع به کارگردانی به سرعت مترادف با فیلم ساز ماهر و حرفه ای شد، فیلم سازی که در هر اثرش امضایش را نیز به جا می گذاشت. حتی در فیلم اولیه ای چون مستاجر که در آن هیچکاک ویژگی های مختلف را با هم ترکیب کرد: آرایش تصویری نور و سایه، حرکات دوربین پیچیده ای که یاد آور سینمای صامت آلمان بودند، تدوین استعاری مونتاژ شوروی با برش موازی رایج در سینمای آمریکا. در واقع هیچکاک در مستاجر اولین اثر مشخصا هیچکاکي اش را خلق کرد. فیلمی که مورخین سینما آن را یکی از چند فیلم برجسته و با اهمیت انگلستان در دهه بیست به شمار می آورند. هیچکاک در سال ۱۹۳۹ برای ساخت

فیلم ربکا به پیشنهاد یک تهیه کننده فیلم بنام دیوید سلزینک به آمریکا رفت. با وجود اینکه هیچکاک با کار برای شاخه انگلیسی کمپانی پارامونت تا حدودی با نظام استودیویی هالیوود آشنا شده بود ولی کار در آمریکا آغازگر رابطه ای بغرنج با نظام استودیویی بود. هیچکاک به سازمان یافتگی استودیوها متکی بود، ولی در مقابل از مداخله تهیه کننده ها بر می آشت. در این میان سلزینک از همه بدتر بود زیرا او خود را شخصا مالک تمام محصولاتش می دانست. هیچکاک هم تلاش می کرد به نوعی دست او را از سر فیلم هایش کوتاه کند مثلا در فیلم برداری تنها صحنه های لازم را فیلم برداری می کرد و در نتیجه نمی شد فیلم را به شیوه ای غیر از شیوه مورد نظر او تدوین کرد. هیچکاک طی شش دهه در ساخت بیش از پنجاه فیلم شرکت داشت (از فیلم های صامت تا فیلم های تکنیکال) تا به امروز به عنوان سرشناس ترین و محبوب ترین کارگردان فیلم های سینمایی شناخته میشود. یکی از ویژگی های بارز فیم های هیچکاک این است که خود او در همه فیلم هایش در یک صحنه، حتی بسیار کوتاه به عنوان بازیگر حضور دارد. از فیلم هی معروف او میتوان به سر گیجه، پنجره عقبی، شمال از شمال غربی، روانی، نتریوس، ربکا و پرندگان اشاره کرد. همچنین او از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۶۲ مجموعه سریالی تحت عنوان «آلفرد هیچکاک تقدیم میکند» را کارگردانی کرد که در این فیلمها او به عنوان راوی داستان در فیلم حاضر میشد. نکته مهم در مورد وی این است که وی هیچگاه به جایزه اسکار دست نیافته است اگرچه در یکسال مانده به فوتش یک اسکار افتخاری دریافت کرد. در سال ۱۹۴۰ فیلم ربکا جایزه بهترین تولیدکنندگی را از آن سلزینک کرد و تنها ۵ فیلم وی به نامهای قایق نجات، طلسم شده، پنجره عقبی، روانی و ربکا نامزد اسکار گردید. وی همچنین: نامزد دریافت نخل طلای کن به عنوان بهترین کارگردان برای فیلم های مردی که زیاد می دانست در سال ۱۹۵۶ و بدنام در سال ۱۹۴۶، نامزد دریافت جایزه گلدن گلوب برای فیلم جنون در سال ۱۹۷۳ و نامزد دریافت شیر طلایی از جشنواره ونیز برای فیلم دستگیری دزد در سال ۱۹۵۵ شد. آلفرد هیچکاک در تاریخ ۲۹ آوریل ۱۹۸۰ در کالیفرنیا آمریکا درگذشت. از نظر او فیلم خوب، فیلمی است که به قیمت شام بیرون و بلیت سینما و پول پرستاری که میدهید تا بچه تان را در خانه نگه دارد بیارزد. اگر فیلمی خوب باشد، حتی اگر صدای فیلم هم قطع شود باز هم تماشاگر می تواند کاملا بفهمد فیلم چطور پیش میرود.

عربستان سعودی صاحب سالن سینما می شود

عربستان سعودی اعلام کرد اولین سالن های سینما در این کشور از سال آتی میلادی افتتاح و به روی عموم گشوده می شوند.

به نقل از یورو نیوز، عواد بن صالح العواد، وزیر فرهنگ و اطلاعات عربستان گفت که «نهاد ناظر بر صنعت صدا و تصویر کار صدور مجوز برای تاسیس سینماها را آغاز کرده است.» به گفته وزیر فرهنگ و اطلاعات عربستان انتظار می رود اولین سالن های سینما در این کشور در ماه مارس سال ۲۰۱۸ میلادی (اسفند ماه) افتتاح شود. سالن های سینما طی بیش از ۳۵ سال گذشته در عربستان ممنوع بوده است. وزیر فرهنگ و اطلاعات عربستان از صدور مجوز برای افتتاح سالن های سینما در این کشور به عنوان «لحظه ای کلیدی» برای توسعه اقتصاد فرهنگی عربستان یاد کرده است. خبر صدور مجوز برای افتتاح سالن های سینما در حالی منتشر می شود که هفته گذشته برای اولین بار یک خواننده زن در عربستان به روی صحنه رفت و بدون حجاب برنامه اجرا کرد. پیش از آن نیز در ماه سپتامبر زنان عربستان ممنوعیت رانندگی زنان را لغو کرده بود. به این ترتیب زنان عربستان از ماه ژوئن سال ۲۰۱۸ میلادی می توانند رانندگی کنند.

فیلم زندگی جی کی رولینگ ساخته می شود

فیلم زندگی «جی.کی. رولینگ»، نویسنده رمان های پرفروش «هری پاتر» وارد لیست سیاه» هالیوود شد.

«ساندی مورنینگ هرالد» نوشت: فیلمی درباره زندگی «جی.کی. رولینگ» - رمان نویس مشهور انگلیسی و خالق هفت گانه «هری پاتر» - وارد «لیست سیاه» فیلمنامه های محبوب، اما ساخته نشده سینمای هالیوود شد.

این لیست که با تحقیق از بیش از ۲۷۵ استودیو و کمپانی فیلمسازی تهیه شده، ویژه فیلمنامه هایی است که هنوز به مرحله تولید نرسیده اند، اما پیش بینی می شود محبوبیت زیادی کسب کنند. فیلمنامه زندگی «رولینگ» را «آنا کلاسن» به نگارش درآورده و در آن به ماجراهایی که «رولینگ» از ۲۵ سالگی پشت سر گذاشته، می پردازد. در این فیلم عشق اول «رولینگ»، بارداری غیرمنتظره او، از دست دادن شغل و افسردگی و پس از آن، نگارش رمان های «هری پاتر» نمایش داده خواهد شد. بازیگران سرشناسی چون «جکی جیلنهال»، «سوفی ترنر» و «پاتریشیا آرکوئت» فیلمنامه های موجود در «لیست سیاه» را در تئیتتر خود اعلام کرده اند. با توجه به آمار بدست آمده، رکورد تعداد فیلمنامه نویسان زن در فهرست امسال شکسته شده و قهرمان حدود نیمی از فیلم ها، زن هستند. «جی.کی. رولینگ»، نویسنده سرشناس انگلیسی که از سوی مجله «فوربز» عنوان سومین سلبریتی ثروتمند جهان لقب گرفته، پس از تمام شدن هفت گانه «هری پاتر» هم به پیمودن پله های موفقیت ادامه داد. در سال ۲۰۱۶ فیلم جدیدی برگرفته از کتاب های «هری پاتر» یعنی «هیولاهای خارق العاده و زیستگاه آن ها» که خود «رولینگ» نگارش فیلمنامه آن را نیز بر عهده داشت، اکران شد و بیش از ۴۷۳ میلیون دلار در سینماهای جهان فروش داشت. ضمن این که نمایش «هری پاتر و فرزند نفرین شده» که «رولینگ» یکی از نویسندگان آن بود نیز در «تئاتر وست اند» لندن به روی صحنه رفت. پس از استقبال فراوان مخاطبان، نمایشنامه «هری پاتر و فرزند نفرین شده» نیز روانه بازار شد و از سوی خوانندگان، عنوان هشتمین قسمت این مجموعه رمان های «هری پاتر» را دریافت کرد. «هری پاتر و سنگ جادو»، «هری پاتر و تالار اسرار»، «هری پاتر و زندانی آزکابان»، «هری پاتر و جام آتش»، «هری پاتر و محفل ققنوس»، «هری پاتر و شاهزاده دورگه» و «هری پاتر و یادگاران مرگ» هفت کتاب رسمی منتشرشده از مجموعه رمان های تخیلی «هری پاتر» هستند و تاکنون هشت فیلم نیز بر اساس این رمان ها ساخته شده که به فروشی بالغ بر هشت میلیارد و ۲۰۰ میلیون دلاری دست یافته تا با پیشی گرفتن از مجموعه «جیمزباند»، در مکان نخست پرفروش ترین سری فیلم های تاریخ سینما قرار بگیرند.

تاریخچه سینمای ایران



واژه سینما معنی حرکت را می‌دهد و ریشه در کلمه یونانی کینما دارد. اما اینکه سینما کی و چگونه در ایران بروز و ظهور پیدا کرد حکایتی جالب و شنیدنی دارد. اولین دوربین فیلمبرداری در ایران در سال ۱۹۰۱ میلادی وارد ایران شد و اولین تصاویر متحرک را میرزا ابراهیم خان عکاس باشی تهیه نمود در بهار ۱۲۸۰ هجری شمسی نخستین تصاویر متحرک به دستور مظفرالدین شاه از شیرهای باغ وحش فرح آباد ضبط شد تا ایران وارد دوران جدیدی از تاریخ خود شود. بعد ها یعنی در سال ۱۲۹۹ خان بابا معتضدی که در فرانسه تحصیل میکرد هنگام بازگشت به ایران دوربینی با خود آورد و توانست مناظری را ضبط کند و به معرض نمایش بگذارد. او با همین دوربین در سال ۱۳۰۴ از مراسم برپایی مجلس موسسان و در سال بعد آن یعنی ۱۳۰۵ از مراسم تاج گذاری رضا شاه نخستین فیلم‌های خبری را تهیه نمود.

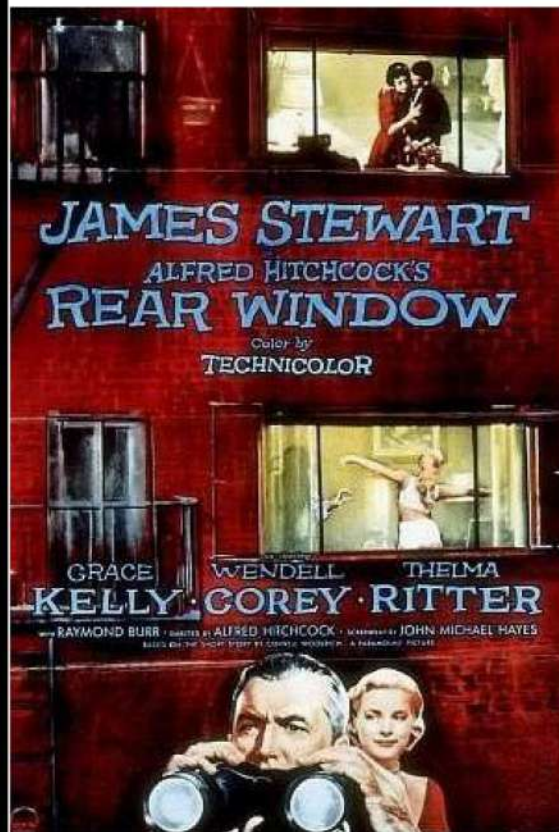
سه سال بعد آوانس اوهانیان که در مسکو در زمینه سینما تحصیل میکرد با همکاری خان بابا معتضدی اولین فیلم طویل داستانی را با نام آبی و رابی به تصویر کشید یک سال بعد ابراهیم مرادی فیلم انتقام برادر را در بندر انزلی تهیه نمود که نیمه تمام ماند. در همان بهبوهه آوانس اوهانیان نیز فیلمی با نام حاجی آقا ساخت و عرضه نمود ولی این فیلم با شکست مالی مواجه شد باعث شد که فیلمساز از راه خود باز بماند و سینما نیز دچار انحراف و نابرابری گردد.

از آن پس در سال ۱۳۱۳ فیلم‌های فردوسی به هنرمندی نصرت الله محتشم و در سال ۱۳۱۵ فیلم چشم‌های سیاه که موضوع آن حمله نادر شاه افشار به هندوستان و فتح لاهور بود منتشر شد. در سال‌های ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۷ سینمای ایران در خمودی و سکوت فرو رفته بود و بدترین سال‌های خود را سپری می‌کرد تا این‌که بار اسماعیل کوشان که در خلال این سالها چند فیلم ترکی را به فارسی برگردانده بود دست به کار تهیه نخستین فیلم ناطق در ایران زد و فیلم طوفان زندگی را تهیه و عرضه نمود. این فیلم اگر چه به لحاظ ضعف‌های فراوان با شکست مواجه شد اما سبب نامیدی اسماعیل کوشان نگردید و او با سرسختی بیش تر به کار خود ادامه داد و فیلم‌هایی دیگری را با عنوان‌های مادر، زندانی و شرمسار را عرضه کرد. با این حرکت تازه اسماعیل کوشان سینمای ایران که میرفت کم کم به دست فراموشی سپرده شود جانی دوباره یافت و در آغاز دهه سی رشد خود را آغاز کرد و تعداد فیلم‌های تولید در سال از دو یا سه تا به بیست رسید و دوبله آثار خارجی آغاز شد و سینما تبدیل شد به محلی برای گذران اوقات مردم و جایی برای تفریح آن‌ها به همین علت تعداد سالن‌ها در پاتخت و دیگر شهرها رو به افزایش رفت. از مشهورترین آثار دوره میتوان به موارد زیر اشاره کرد: لغزش (مهدی رئیس فیروز)، مشهدی عباد (صمد صباحی)، چهارراه حوادث (ساموئل خاچیکیان)، امیرارسلان نامدار (شاپور یاسمی)، جنوب شهر (فرخ غفاری)، شب‌نشینی در جهنم (ساموئل خاچیکیان)، لات جوانمرد (مجید محسنی) و ... دهه چهل که فیلم‌های آن دوره مشهور به فیلم فارسی است که پایه ریزی و بخش مهمی از شالوده آن در دهه سی انجام شده بود به اوج خود رسید و سالانه چیزی حدود بیست تا هفتاد فیلم تولید می‌شد و داستان‌های فیلم‌های این دوره عموماً از موضوعاتی عام که شامل رقص و آواز و زد خورد و ... بود شکل می‌گرفت. و فیلم‌سازان به جای ارتقای کیفی سینمای ایران فقط به فکر جذب مشتری بیش تری برای کسب درآمد بیشتر بودند با این اوضاع و احوال دهه چهل را میتوان نقطه‌ای عطف در دوران سینما دانست چرا که در این دوران کارگردانانی دگر اندیش پا به این عرصه گذاشته و فیلم‌هایی هم چون شوهر آهو خانم اثر ملاپور و خشت و آیین اثر ابراهیم گلستان و شب غوزی اثر فخاری نوید تغییری اساسی را در ساختار سینمای ایران را میداد.

لازم به ذکر می‌باشد که سال هزار و سی صد و چهل و هشت را میتوان نقطه‌ی اوج سینمای ایران دانست زیرا در این سال بود که دو فیلم قیصر با کارگردانی مسعود کیمیایی و گاو ساخته داریوش مهرجویی به معرض نمایش گذاشته شد و این دو فیلم در جریانی مخالف با سینما بود به شکلی که بعد ها این دو فیلم

سینمای کلاسیک، پنجره عقبی: Rear Window

پنجره عقبی: Rear Window



کارگردان: آلفرد هیچکاک

نویسنده: جان مایکل هاینز

بازیگران:

جیمز استوارت / جف

گریس کلی / لیزا

وندل کروئی / دوئل

تلما ریتر / استلا

زمان: 112 دقیقه

محصول: 1954

مهم ترین افتخارات: کاندیدای دریافت اسکار در رشته‌های بهترین کارگردانی، بهترین فیلمنامه نویسی، بهترین صدابرداری و بهترین تصویربرداری رنگی (آن زمان جایزه بهترین تصویر برداری در دو بخش رنگی و سیاه سفید بوده)

داستان فیلم:

یک عکاس خبری (جیمز استوارت) که هنگام تهیه عکس دچار صانحه شده مجبور است با پای شکسته بر روی یک صندلی چرخدار بنشیند، و برای رفع بیکاری به تماشای حرکات همسایه‌های آپارتمان مقابل پنجره پشتی خانه اش مشغول می‌شود. مشاهداتش باعث می‌شود که به یکی از همسایه‌ها شک کند که همسرش را کشته‌است، ولی متقاعد کردن دوست دخترش لیز (گریس کلی) و دوست کارآگاهش وندل کوری چندان هم ساده نیست...

درباره «پنجره عقبی»:

Voyeurism به عمل مشاهده زندگی دیگران به جای انجام زندگی خود می‌باشد. شاید بتوان گفت همه ما کمی از آن را در خود داشته باشیم. به هر حال تماشای فیلم چیزی جز باز کردن پنجره‌ای رو به زندگی دیگران نیست (خواه واقعی و یا داستانی باشد). به نظر جیمز برادینلی منتقد مشهور سینما یکی از بهترین برر سی‌هایی که تا کنون بر روی این موضوع شده «پنجره عقبی» اثر آلفرد هیچکاک می‌باشد، فیلمی که آن را بهترین اثر هیچکاک می‌داند. از همان سکانس ابتدائی فیلم می‌توان این رفتار را در عکس‌هایی که جف گرفته دید به طوری که در ادامه متوجه می‌شویم علت حادثه‌ای که برای پای جف رخ داده تهیه عکس از صحنه تصادف اتوموبیل بوده. هیچکاک با هو شیاری تمام بیننده را مانند جف در این آپارتمان محبوس می‌کند (تمام سکانسهای فیلم از داخل اتاق گرفته شده است!). تا به تماشای زندگی در آپارتمان مقابل بنشینید، فیلم برداری در سکانس‌هایی که به آپارتمان رو به رو نگاه می‌شود چنان جذاب است که شما خود را بر روی صندلی جف فرض کرده و آنچه می‌بینید را با زندگی

درباره فیلم "نفس"



قصه فیلم جدید خانم آبیار هم به مانند فیل قبل یعنی «شیار ۱۴۳» در فضایی روستایی طرح شده و باز هم دارای همان ریتم کند و تصاویر مستند گونه است با این تفاوت که این بار، این تصاویر از نگاه یک کودک به مخاطب ارائه شده. تصاویری رویاگونه شخصیت بهار به وقایع اطراف خود که جذابترین بخش فیلم است. بهار دختر بچه ای که کتابهای بزرگتر از سنش را می خواند و میخواهد دکتر تنگی نفس شود تا پدرش را درمان کند.

یکی از ویژگی هایی که باعث متمایز بودن این فیلم می شود انیمیشن های پویایی است که فیلم استفاده می کند تا رویاهای بهار را به تصویر بکشند. نرگس آبیار یک زن است، او نظیر یک زن یک دنیای دخترانه با شخصیت بهار معرفی می کند. دختری که یکی از کوبنده ترین دیالوگ ها را می گوید: دوست داشتم پسر بودم...

تلاش های خانم آبیار برای ارائه لطیف مضمونی سیاه قابل تقدیر است. سیاهی و زهر فیلم به یاری شوخی ها و تصاویر انیمه گرفته شده است تا بیننده سالن سینما را مکدر از وقایع زندگی بهار ترک نکند. شوخ و شنگی سکانس پایانی هم موید همین معناست. شهادت بهار به زیبایی و راحتی حس تاب خوردنی کودکانه تصویر می شود و نشان از عروج روحانی اوست. این نمایش از مرگ زیبا یادآور مرگ زنان در فیلم های هیچکاک است. باید به این الگوبرداری هرچند ناقص به سینما آفرین گفت.

اما با وجود همه خرده داستان های جذابی که فیلم دارد، ریتم کند، عدم تمرکز کافی و وجود یک خط داستانی مشخص باعث شده تا فیلم کمی خسته کننده باشد و نتواند از همه ظرفیت های خود استفاده کند تا جایی که کم کم دیالوگ های فیلم رنگ و بوی شعاری گرفته و هیچ نقشی در پیشبرد داستان فیلم ندارد. جذابیت اصل اول سینما است. فیلمی که نتواند بیننده را برای مدتی روی صندلی ها محو خود کند به طور حتم توانایی انتقال مضامین را نخواهد داشت. فیلم نفس از جذابیت کافی برای نمایشی ۱۲۰ دقیقه برخوردار نیست. یادمان باشد انکار جذابیت در سینما، انکار سینماست. همچنین تمرکز نویسنده بر روی شخصیت بهار باعث شده تا سایر کارکترها به حاشیه رانده شده و دارای شخصیت پردازی مناسبی نباشند. یکی دیگر از نقدهایی که به فیلم خانم آبیار وارد است استفاده از یک بازیگر برای نقش نفس است در حالی که اتفاقات فیلم حداقل ۳ الی ۴ سال طول می کشد. برای دختری در سن و سال بهار در این مدت رشد بیشتری انتظار میرفت!

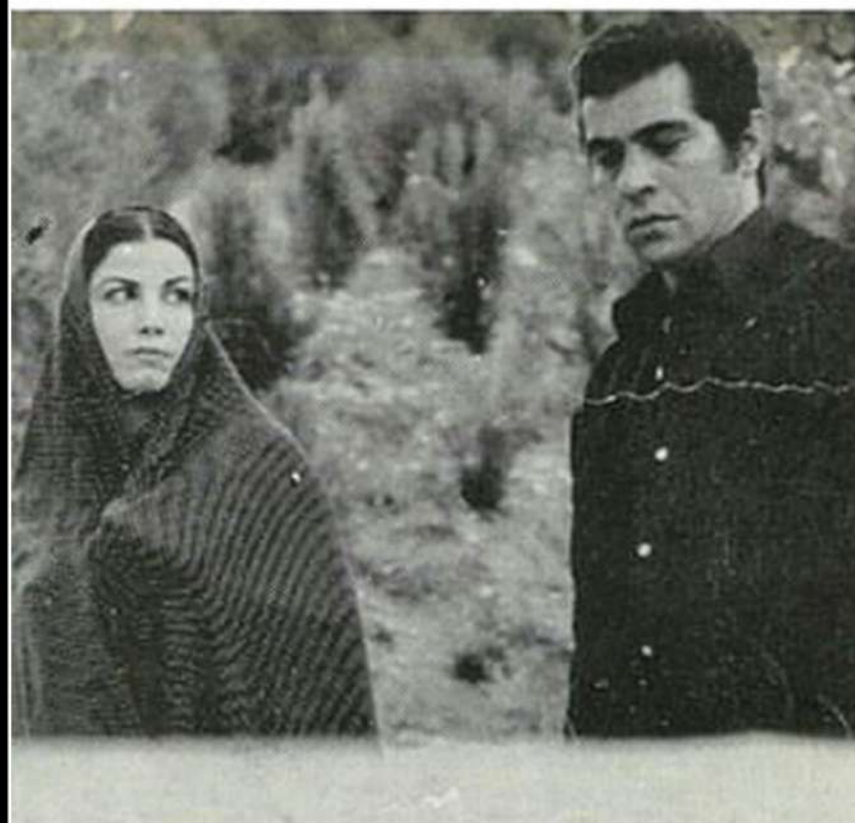
فیلم بازی های روانی دارد به خصوص در نقش ها کوتاه با وجود گریم های سنگین و لهجه های متفاوت. پانته آ بازی بسیار خوبی از خود به نمایش گذاشته و باورپذیر است. شبنم مقدمی نیز در نقش کوتاهی که داشته مسلط و روان است تا نفس از نظر بازیگری نمره قابل قبولی بگیرد. همچنین از دیگر نکات مثبت فیلم می توان به فیلم برداری خوب آن اشاره کرد که حس رویا گونه بهار را به خوبی منتقل می کند همچنین می توان به استفاده درست و به جا از هلی شات برای نورپردازی حرفه ای اشاره کرد.

در مجموع باید گفت فیلم نفس شاید در لحظاتی بسیار خسته کننده به نظر بیاید اما نمی توان از نکات مثبت فیلم و نگاه ساده و کودکانه به اتفاقاتی نظیر انقلاب و جنگ، به سادگی گذشت.

محمد باقری

خود به مبدأ برای تغییراتی ساختاری در سینما مبدل شدند. . قیصر اثری با رویکرد اجتماعی بود که شمایل جدیدی از قهرمان ارائه داد و گاو اثری ساختارگرا به شمار می رفت که متفاوت از فیلم های سرگرم کننده و قصه گو شیوه دیگری از فیلسازی را به رخ می کشید. این دو فیلم به شدت مورد استقبال منتقدان سینما قرار گرفت و از همان سال موج نوی سینمای ایران شکل گرفت.

در دوران قبل از انقلاب چیزی حدود هزار و صد فیلم ساخته شد که به سختی میتوان صد فیلم قابل تأمل در میان آن ها پیدا کرد. سال هزار و سی صد و پنجاه و هفت قیام مردمی علیه رژیم شاهنشاهی به فرمان آیت الله خمینی شکل گرفت و به اشتباه در



بعد از انقلاب چهره های جدید و تازه کار که یا جدید و الورود بودن و یا تحصیل کنندگان مذهبی مانند آقایان نجفی، بهشتی، انوار و... سکان سینما در دستان خود گرفتند.

در این بهبوه ها قطعا عده ای کار کشته در سینمای ایران کنار گذاشته شدند و عده ای نیز با اعلام توبه و بازگشت به جمع جدید پیوستند. نخستین ساخته پس از انقلاب با نام فریاد مجاهد به نماش درآمد که کارگردانی آن بر عهده مهدی معدنیان بود. در دهه شصت سینمای ایران پوست انداخت و در این دوره تعدادی از آثار سینمایی به جشنواره های خارجی راه یافتند و جوایزی را دریافت کردند.



در این دوران تعدادی از فیلمسازان باسابقه همچون داریوش مهرجویی، مسعود کیمیایی، ناصر تقوایی، بهرام بیضایی، ساموئل خاچیکیان، رضا میرلوحی، علیرضا داودنژاد، مهدی فخیم زاده، سیروس الوند، امیر نادری و ... به کار خود ادامه دادند و نسل جدیدی از کارگردانان جوان همچون خسرو سینایی، مهدی صباغزاده، امیر قویدل، محمدعلی سجادی، کیومرث پوراحمد، رسول صدرعاملی، محمدرضا اعلامیف

رسول ملاقلی پورف پوران درخشنده، رخشان بنی اعتماد، ابوالفضل جلیلی، ابراهیم حاتمی کیا، مسعود جعفری جوزانی، کیانوش عیاری، محمد بزرگنیا، تهمنه میلانی، علیرضا رئیسیان، احمدرضا درویش، کمال تبریزی و ... در کنار آنها قرار گرفتند. در دهه هفتاد فیلمسازی جدید و با تفکر هایی نو از راه رسیدند که سرشار از انرژی بودند. در این دهه کارگردانانی همچون مجید مجیدی، علی شاه حاتمی، یدالله صمدی، کامبوزیا پرتوی، ابراهیم وحیدزاده، محمدرضا هنرمند، بهروز افخمی، شهرام اسدی، محمدعلی طالبی، محمدحسین لطیفی، بهمن قبادی، جعفر پناهی، پرویز شهبازی و ... فیلم هایی را تولید و به بازار سینما عرضه کردند که نظر مخاطبان عام و خاص را به خود جلب کرد.

دهه ۸۰ هم کارگردانان نسل سوم همچون اصغر فرهادی، سیدرضا میرکریمی و ... به میدان آمدند که تجربه و دانش را در جهت ارتقای کیفی آثارشان به کار بردند.

پرونده نماینده ایران در اسکار ۲۰۱۸



هر ساله بحث معرفی نماینده ایران به آکادمی اسکار یکی از پرحاشیه‌ترین بحث‌های سینمای ایران است و همواره نماینده معرفی شده منتقدین زیادی داشته. حتی در سال‌هایی که نماینده ایران به اوج موفقیت یعنی دریافت جایزه بهترین فیلم خارجی زبان هم رسیده، بازهم بحث‌های زیادی در این زمینه مطرح شده. امسال هم مدعیان زیادی برای معرفی به عنوان نماینده ایران به آکادمی اسکار وجود داشتند که هیات انتخاب با میزبانی بنیاد سینمایی فارابی و در تعامل مستقیم با سازمان سینمایی و خانه سینما، با عضویت سیروس الوند (کارگردان)، مجید انتظامی (آهنگساز)، محمد بزرگ نیا (کارگردان)، کمال تبریزی (کارگردان)، سید جمال ساداتیان (تهیه کننده)، رسول صدرعاملی (کارگردان)، جواد طوسی (منتقد)، رضا کیانیان (بازیگر) و امیر اسفندیاری (معاون بین‌الملل بنیاد سینمایی فارابی)، از میان فیلم‌های: برادرم خسرو، بیست و یک روز بعد، خانه‌ای در خیابان چهل و یکم، رگ خواب، لاک قرمز، ماجرای نیمروز، مالاریا، نفس، وارونگی، و ویلایی‌ها فیلم «نفس» به کارگردانی نرگس آبیار را برای معرفی به آکادمی انتخاب کردند.

شاید بزرگترین رقیب و غایب در این لیست «بدون تاریخ بدون امضا» ساخته وحید جلیوند باشد فیلمی که در جشنواره فیلم ونیز موفق به کسب بهترین کارگردانی و بهترین بازیگری در بخش افق‌های نو شده بود. اما به علت عدم اکران در مهلت مقرر نتوانست بین گزینه‌ها قرار بگیرد تا برای اولین بار فیلم یک کارگردان زن نماینده ایران در اسکار نودم باشد.

کارگردان

نرگس آبیار : متولد سال ۱۳۵۰ در تهران می‌باشد و فعالیت خود را با داستان نویسی آغاز کرد و تا به امروز بیش از سی جلد کتاب



از وی به چاپ رسیده است. اما پس از موفقیت در حوزه نشر، آبیار از سال ۱۳۸۴ با ساخت فیلم‌های کوتاه و مستند پا به عرصه سینما گذاشت. وی در این حوزه چندین اثر موفق از جمله «بن بست مهربان» را کارگردانی کرد. اما نام نرگس آبیار پس از ساخت فیلم «شیار ۱۴۳» بر سر زبان‌ها افتاد. فیلمی که محبوب تماشاگران شد. آخرین ساخته وی فیلم «نفس» می‌باشد. نفسی که اکنون به عنوان نماینده سینمای ایران به آکادمی اسکار معرفی شده.

خلاصه داستان

«نفس» روایتگر زندگی چهار کودک با نام‌های بهار، نادر، کمال و مریم است که دنیایی پر از رویاهای زیبای کودکانه دارند و قرار است رنگ حقیقت به خود بگیرد. فیلم در حال و هوای شرایط پر تنش سال‌های ۵۷ تا ۶۲ روایت می‌شود و تمرکزی خاص بر رفتارهای مردم آن دوران دارد.

در طول سال‌ها گذشته تعداد کارگردانان جوان رو به فزونی گذاشته و این به دلیل تغییر ساختار سینما در دنیا می‌باشد. در مرور تاریخ چند دهه‌ای از سینمای ایران که در بالا به طور خلاصه به آن پرداخته شد کم‌تر به فیلم ساز، فیلم بردار و حتی بازیگری برمیخوریم که سینما را به خاطر سینما و به خاطر بهره‌وری سالم از آن مد نظر داشته باشد به همین خاطر است که سینما در ایران نه از جهت یک هنر که مفهومی عمیق و دقیق در جهت اعتلای روح انسان دارد نه حتی در زمینه‌ی تکنیک حرکت و جنبشی ندارد. میدانیم که در جهان امروز حتی در حرفه‌های سبک و ساده شناخت، تبحر، تخصص و تسلط امری ضروری است. اما شگفتا در کار سینمای ایران، هر نو رسیده‌ای در این بازار پر رونق یک شبه ره صد ساله را که هیچ بلکه راه هزار ساله را میپیماید بدون این که تخصص لازم را در این امر کسب کرده باشد و از آن طرف افرادی که از استعداد و دانش سینمایی بالایی برخوردارند به دلیل همین فضای بیمار گونه سینمای ایران از این عرصه دور بمانند و سینمای ایران از این استعداد ها بی بهره میماند. این چنین است که سینما میتواند از نظر هنر، تکنیک و هم از جهت نقش سازنده‌ای که در جهت انتقال فکر و فرهنگ و بازشناسی واقعیت‌های جهان دارد در مرحله‌ای از رشد خود محبوس بماند و جز چند مورد انگشت شمار و چند جرقه کوچک باری نداشته باشد و در نهایت به دکانی کاسبکارانه تبدیل شود و افراد فقط برای به دست آوردن شهرت و ثروت در این بازار پر رونق حضور پیدا میکنند.

با این حال سینمای ایران در این چند دهه که از عمر خود را میگذرانند آدم‌هایی چون: ابراهیم حاتمی کیا، مسعود کیمیایی، پرویز کیمیایی، خسر هری‌تاش، بهمن فرمان آرا، پرویز صیاد، سهراب شهید ثالث، ناصر تقوایی، داریوش مهرجویی، علی حاتمی، ابراهیم گلستان، فرخ غفاری، هوشنگ کاوسی، بهرام بیضایی، عباس کیا رستمی، بهمن قبادی، امیر نادری و در رأس آن‌ها را میتوان اصغر فرهادی را نام برد به خود دیده است شاید بتوانیم با حضور چنین افراد با اندکی اغماض به تاریخ سینما بنگریم. در نهایت با تمام فراز و نشیبی که در تاریخ سینمای ایران دیدیم میتوانیم بگوییم که تاریخ سینمای ایران فضایی بیمار گونه داشته که راه خود را در همان جهت صوری و ناقص ادامه داده با این امید که روزی برسد که سینمای ایران آن رسالت واقعی که متناسب با این هنر است به دست آورد و در مسیر تکامل گام بردارد.

سید ابوالفضل شاهچراغ

